

عنوان: ویژگیهای زبان هدایت قرآن با تأکید بر آراء آیت الله معرفت و آیت الله جوادی آملی

پدیدآورنده: حمیده چهره گشا

چکیده

هدایت گری در زبان قرآن از اهداف اصلی قرآن است. به این دلیل هدایتگری در زبان قرآن را میتوان مهمترین مسئله حوزه قرآن پژوهی دانست.

پرسش اصلی در این پژوهش هدایت گری قرآن از منظر علمای معاصر (معرفت و آیت الله جوادی آملی) چیست؟ و خداوند از منظر علمای بزرگ معاصر چه سبک و شیوه ای با توجه به زبان هدایتگری قرآن استفاده کرده است؟

در این پژوهش که با روش توصیفی انجام گرفته، از نظرات علمای بزرگوار آیت الله معرفت و جوادی آملی در مورد هدایت گری در قرآن استفاده می شود.

به باور این بزرگواران هدایت در قرآن همه انسانها و آنچه در عالم هست با هر اعتقادی را دربرمی گیرد و هدف زبان هدایتگری قرآن رسیدن موجودات به کمال است.

کلید واژه: زبان ، هدایت، معاصر، آیت الله معرفت، آیت الله جوادی آملی.

هر متنی برای رساندن مفاهیم خود به مخاطب از روش یا روش هایی استفاده می کند قرآن کریم هم برای نزول خود اهدافی ذکر کرده است.

از این رو استفاده از روش و زبان های مختلف برای رسیدن به هدف امر بدیهی است، توجه کردن به زبان هر متنی مسئله ای اساسی است، حرکت روزافزون جامعه به سوی اهداف از پیش تعیین شده توسط مجریان و برنامه ریزان مشوق است برای دین باوران که چپستی هدف آفرینش و هستی را کشف کنند، از همین زاویه است که بحث زبان قرآن، نزد عده ای از قرآن پژوهان مورد توجه قرار گرفته است.

زبان هدایت قرآن از مباحث مهم در حوزه فهم و تفسیر قرآن کریم است. به طوری که می توان گفت که درک صحیح از بسیاری از کلمات در گرو پذیرش هدایت گری قرآن است.

۱- انتفاع همگانی:

نوشته ها و گفته های انسانی به طور متعارف مخاطب خاصی دارد. گفته ها و نوشته هایی که مخاطب آن عموم مردم باشد، برای متخصصان رشته های گوناگون مفید نخواهد بود و اگر در سطح فهم متخصصان باشد برای عموم مردم قابل استفاده نیست. افزون که موضوعات تخصصی نیز خود محدودیتهای ویژه ای را دارند. برای مثال، زبان و اصطلاحات ریاضی، برای متخصصان رشته های دیگر، که ارتباط چندانی با این رشته ندارند، قابل استفاده نیست و به عکس. (سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۸، ۱۳۹۶، ص ۳۷۲).

زبان دین با زبان همگان هماهنگ، و برای همه انسانها فهم پذیر است. زبان دین، معماگونه و رمزگونه نیست تا کسی آن را نفهمد، زیرا دین برای هدایت توده مردم آمده است و چیزی که برای هدایت همه مردم است، باید معارف و حقایق را به گونه ای بیان کند که همگان حق و صدق بودن آن را بفهمند و نیز برتری آن را در مقایسه با سایر افکار و آرا یافته و آن را بپذیرند.

اگر زبان دین، زبان رمزی و معماگونه باشد، هدف برین هدایت و انتخاب و ترجیح، تحقق، پیدا نخواهد کرد. چون زبان دین باید برای همگان قابل فهم باشد، اولاً انبیای الهی به زبان قوم خودشان مبعوث شدند. [و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه] (سوره ابراهیم، آیه ۴) (جوادی آملی، دین شناسی، نشر اسراء، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۷۷-۷۸).

همگانی و مردمی بودن قرآن، سخن گفتن براساس فرهنگ مشترک مردم است، انسانها گرچه در لغات و ادبیات از یک دیگر بیگانه اند در فرهنگ های قومی و اقلیمی نیز با هم اشتراکی ندارند، اما در فرهنگ انسانی که همان فرهنگ فطرت پایدار و تغییرناپذیر است- با هم اشتراک دارند و قرآن کریم با همین فرهنگ مشترک با انسانها سخن می گوید مخاطب اصلی قرآن، فطرت انسانهاست و رسالت اصیل آن نیز شکوفا کردن همین فطرت هاست، در بهره گیری از معارف قرآن، نه بهره مندی از فرهنگ خاص شرط است تا بدون آن رسیدن به اسرار قرآن میسر نباشد، نه تمدن ویژه ای مانع است تا عده ای بر اثر داشتن آن از لطایف قرآن محروم باشند. (همان، ص ۷۹).

آیت الله معرفت می فرماید: قرآن به عنوان دستورالعمل دینی، جنبه ابدیت دارد و برای تمامی مردم است و به ملت عرب یا جزیره العرب اختصاص ندارد، زیرا قرآن برای همه مردم، کتاب هدایت است (هدی الناس) [www.noormags.com ص ۲۱]

اگر قرآن برای بیان مطالب خویش از زبان عرب استفاده کرده است، به دلیل این که پیامبر از عرب انتخاب شد. مثل اینکه موسی که از میان عربها انتخاب شد و توراتش هم عبری بود. [پژوهش های اجتماعی اسلامی/ پاییز و زمستان ۷۶/ شماره ۱۰ و ۱۱. www.noormags.com/view/fa/artidepagy 19924. ص ۲۱.]

تنها پیروی حیات بخش بشر، همان تبعیت از هدایت الهی است. از این رو خداوند به پیامبرش فرمود: «فبهدهم اقتده؛ مقتدای حقیقی تو انبیای پیشین نیستند، بلکه اسوه تو، هدایت خداست که آنان نیز به پیروی از آن به مقصد رسیده اند.» (سوره انعام، آیه ۹۰). از این رو در آیه «فإِذَا يَأْتِيَنكُم مِّنِي هَدًى فَمَن هَدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (سوره بقره، آیه ۳۸). تنها عامل نجات جامعه، پیروی از هدایت الهی ذکر شده است که باعث نفی هرگونه هراس در معاد و سلب هرگونه اندوه در قیامت است. (جوادی آملی، ، تفسیر موضوعی قرآن کریم، هدایت در قرآن، مرکز نشر اسراء، چ ۲، ۱۳۸۵، ص ۶۲)

عالم بزرگوار آیت الله العظمی خویی ضمن تأیید سهل و ممتنع بودن زبان قرآن و اینکه درک معانی و فهم بخش هایی از قرآن اختصاص به همان کسانی دارد که مورد خطاب قرآن اند و بخش هایی از آن نیز دارای ویژگی انتفاع همگانی است می فرماید: قرآن کریم گرچه مشتمل بر علوم گذشته و آینده است و بدون تردید درک این حقایق و معانی اختصاص به اهل بیت پیامبر اکرم دارد، در عین حال منافات ندارد که دارای ظواهری قابل فهم برای آشنایان به قواعد و ادبیات عربی داشته باشد و می توانند پس از جستجو از قراین، به آن ظاهر عمل کنند. (ویژگیهای زبان قرآن با تأکید بر آراء آیت الله خویی و آیت الله معرفت، محمدهادی یدالله پور و همکاران، دو فصلنامه الاهیات قرآنی، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۹۵، ص ۱۴-۱۳).

۲- سبک قرآن، آمیختگی موضوعات:

کتابهای بشری هم از لحاظ گستره موضوع محدود به موضوع یا موضوعات خاص اند، و هم از نظر پردازش و دسته بندی و فصل بندی سبک شناخته شده ای دارند. برای نمونه کتابی که موضوع آن تاریخ یا جغرافیا، زیست شناسی یا فیزیک، اخترشناسی یا انسان شناسی است، به اقتضای محدودیت حاکم بر اندیشه نویسنده از یک سو و تمایز مفاد هریک از این علوم از دیگر سو، نمیتواند موضوعات دیگر را پردازش کند. (سعید روشن، محمد، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۸، ۱۳۹۶، ص ۳۷۳).

قرآن در اساس حامل پیام هدایت برای انسان است. اما در انجام این رسالت به اقتضای حکمت خدا در تربیت انسان، از یک سو به موضوعات گوناگون، که هریک به نوعی در ارتباط با هدایت انسان است، توجه می کند و از دیگر سو، در چگونگی انجام رسالت و پیام خود، موضوعات مورد گفتگوی خود را در قالب فصل بندی خاصی جای نداده است. با نگاه به هریک از سوره های قرآن کریم می بینیم مطالب و موضوعات آن نظم موضوعی نداشته، بلکه سبک مخصوص خود را دارد. (همان، ص ۳۷۴).

قرآن، سرتاپا، یک سخن است و در عین پراکندگی، در موقع نزول کلام واحدی به شمار می رود آیات آن به یکدیگر پیوند خورده است، یک واحد متشکلی را تشکیل می دهند ([www. noormags. com/](http://www.noormags.com/))
آیت الله معرفت، مجله بینات، سال اول، شماره ۱، ص ۵۵. امیر المومنین می فرماید: «القرآن یفسر بعضه بعضاً یَنطِقُ بعضُهُ بِبعض، و یشهد بعضُهُ علی بعض.»

قرآن کتابی علمی مانند فلسفه و فقه و اصول و اخلاق نیست که همیشه بر پایه نظم خاص و ترتیب ویژه سخن بگوید، مثلاً در همه کتاب های علم اخلاق در بیان معانی عدالت و تقوا به تجزیه و تحلیل و تعریف آن دو می پردازند و در هیچ کتاب اخلاقی رسم نیست که در تعریف عدالت عادل را بشناسانند و این کار را خروج از شیوه رایج قرآن در بیان معارف، همین گونه سخن گفتن است. (جوادی آملی، ، تفسیر موضوعی قرآن کریم، هدایت در قرآن، مرکز نشر اسراء، ج ۱۶، چ ۲، ۸۵، ص ۲۲۲-۲۲۱).

اگر شرایط لازم زبان عرف آن باشد که در سطح فهم عرف باشد، در این صورت باید حداقل یک رشته از تعبیر بلند توحیدی و معادشناسی قرآن و همین طور حروف مقطعه آغاز برخی سوره های قرآن را خارج از سطح فهم عرف بدانیم؛ زیرا به نظر نمی رسد این گونه تعبیرها آشنا و متعارف در میان عرف مردم باشد: هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن (سوره حدید، آیه ۳) او [خدا] است اول و آخر و ظاهر و باطن. کل شیء هالک إلا وجه (سوره قصص، آیه ۸۸) همه چیز نابود شونده است جز ذات پروردگار. و ما تشاؤون إلا أن یشاء الله (سوره انسان، آیه ۳۰. سوره تکویر، آیه ۲۹) و چیزی را نمی خواهید مگر آنکه خدا بخواهد و هو معکم این ما کنتم و الله بما تعلمون بصیر (سوره حدید، آیه ۴) و او [خدا] با شماست هر جا که باشد و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

گویا از میان خصائص گونه گون قرآن، زیبایی و دلربایی قرآن سبب شده است، کسانی گمان برند قرآن کتابی ساده و سهل است، ولی روشن است که این تمام خصوصیات قرآن نیست بلکه قرآن به جز زیبایی و جاذبه ظاهری، ژرفاهایی نیز دارد که پهلوانان اندیشه ورز را می طلبد تا به درک آن اعماق نایل آیند). سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، همان، ص ۳۸۲-۳۸۱).

عرفی بودن زبان قرآن

آیت الله معرفت می فرماید: تاریخ نشان می دهد که مردم هر زمان زبان پیام الهی را که توسط پیامبرشان به ایشان ابلاغ شده است می فهمیده اند و هیچ گاه در تاریخ ثبت نشده که پیروان پیامبری گفته باشند زبان پیامی که آورده ای برای ما مفهوم نیست. (علوم قرآن و حدیث، زهرا اخوان صفا، بینات، موسسه معارف اسلامی، شماره ۴۲، تابستان ۸۳، ص ۶۷).

اساس قرآن، لسانی است که سهل و ممتنع است، بسیاری از ارباب معرفت و فلسفه گمان می کنند قرآن را می توانند بفهمند برای اینکه بعدی از آن برای آن ها جلوه کرده است و آن بعدی که در پس این ابعاد است برای آن ها معلوم شده است.

آن گونه که بیان شد، قرآن گاه دربردارنده مضامینی فراتر از عرف ام است که تنها خاصان اندیشه ورز توان دسترسی آن را دارند که البته این مسئله هیچ گونه خللی در فهم پذیری و رسایی زبان قرآن ایجاد نخواهد کرد.

مفسر بزرگ آیت الله معرفت نیز ضمن پاسخ به برخی شبهات وارد شده در این خصوص می فرمایند: «باری، در قرآن گونه گونی در بیان وجود دارد آن سان که [گاه] آن را در سطوحی متفاوت و بر فراز یکدیگر قرار می دهد و گاه به قله فرازمندی از بیان می رسد که جز دست دانایان نکته سنج و صاحبان نبوغ، بدان نرسد. لیک این مطلب به هیچ روی موجب غموض و پیچیدگی آن نمی شود، پس، از آن مفهوم ابتدایی، ظاهر آن برای توده های مردم آشکار است. (محمودی، محمدهادی، ویژگی های زبان قرآن با تأکید بر آراء آیت الله خویی و معرفت ریال همان، ص ۱۸).

آیت الله جوادی آملی می فرمایند: قرآن برای هدایت انسانها فرستاده شده، باید برای همگان قابل فهم باشد (جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، مرکز نشر اسراء، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۷۸). زبان قرآن، لغت و ادبیات لفظی نیست، معارف قرآن در چهره لغت ادبیات عرب بر انسان نمودار شده است.

مراد از زبان قرآن و همگانی و مردمی بودن آن، سخن گفتن بر اساس فرهنگ مشترک مردم است، انسانها گرچه در لغت و ادبیات از یکدیگر بیگانه اند و در فرهنگ های قومی و اقلیمی نیز باهم اشتراکی ندارند، اما در فرهنگ انسانی پایداری و فطری هست تغییرناپذیرند و قرآن با همین فرهنگ مشترک با انسانها سخن می گوید. (همان، ص ۷۹-۷۸).

۶-جهانی بودن و جاودانگی قرآن:

جهانی بودن و جاودانگی قرآن در جایگاه خود به عنوان یک مبنای قطعی مانع از آن است که زبان آن در قلمرو زبان عرف عام مردم انحصار یابد. چه اینکه زبان عرف خواه ناخواه به نوعی از سطح فهم، فرهنگ و آگاهیهای گویندگان انسانی و محدودیتهای آن متأثر است. (سعیدی روشن، محمداقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۸، ۱۳۹۷، ص ۳۸۴).

می توان نتیجه گرفت که قرآن هرچند از لحاظ اصول محاوره، منطق زبان شناختی عرف عقلا را البته بدون مسامحات مجاز عرفی مراعات می کند، و در ساحت مفهومی آن و رسانایی سخن، به منظور پایان جهت و محقق شدن هدایت، سطح درک و فهم عموم مخاطبان و شیوه مخاطب قرار دادن و گفتمان کردن عمومی با مردم را توجه دارد با این وصف نمی توان زبان قرآن را به تمامی زبان تک ساحتی و عرفی دانست زیرا نشانه و علائم فراعرفی و یا عرف خاص در مورد قرآن به اندازه ای غلبه دارد که می توان به نظریه عرفی بودن اکتفا کرد. (همان، ص ۳۸۵).

اگر کتابی از لحاظ وسعت حوزه رهنمود جهان شمول باشد، باید با زبان جهانیان سخن بگوید تا همگان را از فهم زادراش نصیبی باشد و هیچ کس بهانه نارسایی آن زبان و دستاویز آشنا نبودن نایستد. تنها زبانی که جهان گسترده بشریت را هماهنگ می کند، زبان فطرت است که فرهنگ مشترک انسان هاست و هر فردی از آن بهره مند و بدان آشناست و هیچ کسی بهانه بیگانگی از آن را در سر نمی پروراند و دست تطاول تاریخ به دامن پاک و پایه های استوار آن نمی رسد زیرا خداوند فطرت آفرین، او را از هرگزندی ایمن کرده است. (همان، ص ۱۸۹-۱۸۸) « فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم...» (سوره روم، آیه ۳۰).

نتیجه گیری:

زبان هدایت قرآن همه انسانها و موجودات را دربر می گیرد و اختصاص به انسانها ندارند، البته در مورد انسانها هر فرد به اندازه توان خود مرتبه ای از کمال را می پیماید، کمال انسان اینگونه نیست که از راه های مادی امکان پذیر باشد، به باور قرآن پژوهان معاصر آیت الله معرفت و آیت الله جوادی آملی زبان هدایت قرآن همه افراد بشر را دربر می گیرد.

با توجه به ویژگی هایی که برای قرآن کریم در این پژوهش بیان شده هدف نهایی قرآن هدایتگری است، که قرآن از طریق زبان خود آن را بیان می فرماید.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- اخوان صراف، زهرا، عرفی بودن زبان قرآن، علوم قرآن و حدیث: بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا)، شماره ۴۲، ۱۳۸۳.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، نشر اسراء، چ ۱، ۱۳۸۱.
- ۵- تفسیر موضوعی قرآن کریم، هدایت در قرآن، نشر اسراء، چ ۲، ۱۳۸۵.
- ۶- سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۸، ۱۳۹۶.
- ۷- کرمی نیا، جواد و همکاران، فطری بودن زبان قرآن از منظر آیت الله جوادی آملی و مقایسه آن با دیگر نظریات، علوم قرآن و حدیث: مشکوه، شماره ۱۳۷، ۱۳۹۶.
- ۸- معرفت، محمدهادی، ترجمه التمهید فی علوم القرآن، حسن فرقانی، چ ۳، چا، ۱۳۹۲.
- ۹- پژوهشهای اجتماعی اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۰، ۱۳۷۶.
- www.noormags.com/view/fa/artidepage/199924
- ۱۰- دو فصلنامه الاهیات قرآنی، ویژگیهای زبان قرآن با تأکید بر آراء آیت الله خویی و معرفت، محمدهادی یدالله پور و همکاران، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۹۵.
- ۱۱- مجله بینات، سال اول، شماره ۱ / www.noormahs.com